

An Analysis on the Requirement for Insurance Companies to Become a Publicly Traded Company

Mahmood Bagheri¹, Mehdi Ajorlou², Saeed Rahmani³

Received: 2020/21/09

Accepted: 2021/22/06

Abstract

Objective: The insurance industry in the world is generally considered as a high-risk activity. Therefore, it has special regulations. The establishment of insurance institutions in the form of a company is one of the ways to reduce the risks in this industry. Thus, The purpose of this study is to find the reasons for determining the format of a public joint stock company for establishing insurance companies and to understand the existing challenges to support the interests of the policyholders and finally to provide an appropriate format and structure.

Methodology: A descriptive-analytical method has been used in this research. Books, articles and scientific resources of developed countries were used to collect information. The use of scientific and specialized journals in various databases has been prioritized.

Findings: The findings show that some characteristics of public joint stock companies persuaded the legislator to allow establishing insurance companies only in the form of the joint stock companies. One of the most important features, along with the large amount of capital and ease of leaving the company, is the facilitation of the insurer's support, which examines the behavior of public joint stock companies and their structure also strengthens the validity of this claim. According to the domestic regulations, the capital required to establish an insurance company and cover all types of risks will not be able to be provided by a natural person, so the answer is establishing an insurance company and collecting shareholders' capital to achieve this important fund. The degree of liability of each of the partners in the insurance company and the method of compensation should also be such that the insurer is confident that in case of damage, he can receive his compensation based on the insurance contract. Such issues are directly related to the structure of the insurance company. In the Commercial Code, the authorized forms for forming a company have not exceeded seven types, and according to the provisions of the Commercial Code regarding the formation of companies, Article 2 of Regulation No. 40 of the Supreme Insurance Council only forms a public joint stock company and a public joint stock cooperative company. But it has not provided an explanation as to why and for what reasons only these forms are allowed. However, some of the features of these types of

-
1. Associate Professor of Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. mahbagheri@ut.ac.ir
 2. LL.M. in International Commercial and Economic Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. Mehdi.ajorlou@gmail.com
 3. M.S in International Commercial and Economic Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author). saeedrahmani@ut.ac.ir

companies, such as the ease of leaving the company, are also against the interests of the policyholders, as it exposes the company to large changes of investors and reduces coherence in management decisions, resulting in liquidation or bankruptcy. Thus, public joint stock companies are not currently the most appropriate legal framework for insurance companies. On the other hand, one of the issues that should be considered in determining the type of company is the protection of the interests of insurers, such as the country's health system that implements mechanisms to protect patients so that patients and the public can participate in policy making and their opinions in the final health policy making is used to make better decisions with people's participation.

Conclusion: In the insurance system, special mechanisms, structure and monitoring system should be used so that insurers can actively participate in the insurance system in addition to ensuring the protection of their rights. Thus, According to the characteristics of a public joint stock company, it seems that the best format for forming an insurance company is to form an insurance company as a private joint stock company whose shareholders are large companies and typically investment holdings. In this way, credit risk can be avoided, since the multiplicity of partners does not cause dispersal of shareholders' votes, more efficient management can be expected, as well as the benefits of joint-stock companies in terms of supervision, management, decision-making based on corporate governance and responsibility. Limited shareholders solved the challenges of public limited companies and, by improving financial performance, reduced financial risk and secured the interests of shareholders as well as insurers in a more efficient manner. Therefore, in the insurance system, special mechanisms, structure and monitoring system should be used so that insurers can actively participate in the insurance system in addition to ensuring the protection of their rights. Thus, a private joint stock company with shareholders who are public joint stock companies can provide the most support to the interests of the policyholders. It reduces the fragmentation of management opinions and increases the coherence of the company's decisions and policies to ensure the interests of customers and policyholders.

Keywords: Public Company, Liability, Insurance, Capital, Shareholders

JEL Classification: G22, K29, L19

تحلیل مبانی الزام تشکیل شرکت‌های بیمه در قالب شرکت سهامی عام

محمود باقری^۱؛ مهدی آجورلو^۲؛ سعید رحمانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۱

چکیده

هدف: پژوهش با هدف یافتن دلایل تعیین قالب شرکت سهامی عام جهت تأسیس شرکت‌های بیمه و پی بردن به چالش‌های موجود جهت حمایت منافع بیمه‌گذار و در نهایت ارائه قالب یا ساختار مناسب ارائه شده است. **روش‌شناسی:** در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی بهره برده شده و جهت گردآوری اطلاعات نیز از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

یافته‌ها: نتایج نشان داد برخی ویژگی‌های شرکت‌های سهامی عام که در این پژوهش مشخص گردید لزوماً تأمین کننده منافع بیمه‌گذار نیستند، قانونگذار را مجاب نموده که تأسیس شرکت‌های بیمه را صرفاً در قالب شرکت سهامی عام یا شرکت تعاونی سهامی و طبق مقررات قانون تجارت مجاز قلمداد نماید. یکی از مهم‌ترین این ویژگی‌ها در کنار حجم عظیم سرمایه و سهولت خروج از شرکت، تسهیل حمایت از بیمه‌گذار بوده که بررسی رفتار شرکت‌های سهامی عام و ساختار آنها نیز صحت این ادعا را تقویت می‌کند. اما برخی از همین ویژگی‌ها از جمله سهولت خروج از شرکت خلاف منافع بیمه‌گذار نیز است، چرا که شرکت را در معرض تغییر زیاد سرمایه‌گذاران و کاهش انسجام تصمیمات مدیریتی و در نتیجه در معرض انحلال یا ورشکستگی قرار می‌دهد. لذا می‌توان گفت شرکت‌های سهامی عام با ساختار کنونی مناسب‌ترین قالب حقوقی برای شرکت‌های بیمه نیستند.

نتیجه‌گیری: شرکت سهامی خاص با سهامدارانی که شرکت‌های سهامی عام هستند می‌تواند بیشترین حمایت را از منافع بیمه‌گذار به عمل آورد. چرا که از تشتت آراء مدیریتی می‌کاهد و باعث می‌گردد انسجام در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری‌های شرکت در راستای تأمین منافع مشتریان و بیمه‌گذاران افزایش یابد.

واژگان کلیدی: شرکت سهامی عام، مسئولیت، بیمه، سرمایه، سهامداران

طبقه‌بندی موضوعی: L19 ، K29 ، G22

۱. دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

mahbagheri@ut.ac.ir

۲. کارشناس ارشد حقوق تجاری اقتصادی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Mehdi.ajorlou@gmail.com

۳. کارشناس ارشد حقوق تجاری اقتصادی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

saeedrahmani@ut.ac.ir

مقدمه

صنعت بیمه و بیمه‌گری عموماً به این جهت که جزء فعالیت‌های با ریسک بالا محسوب می‌شود، دارای مقررات خاصی بوده و تأسیس نهادهای بیمه‌ای در قالب شرکت یکی از راهکارهای کاهش ریسک‌های موجود در این صنعت است. طبق آیین‌نامه‌ها و مصوبات داخلی، سرمایه مورد نیاز برای تشکیل شرکت بیمه و پوشش انواع ریسک‌ها به اندازه‌ای است که شخص حقیقی یا حقوقی واحد توان فراهم کردن این حجم از سرمایه را ندارد. لذا از طریق تأسیس شرکت بیمه و جمع‌آوری سرمایه سهامداران به این مهم دست پیدا می‌کنند. میزان مسئولیت هر یک از شرکاء در شرکت بیمه و شیوه جبران خسارت نیز باید به گونه‌ای باشد که بیمه‌گذار اطمینان داشته باشد که در صورت بروز خسارت می‌تواند با استناد به قرارداد بیمه خسارت خود را دریافت نماید. چنین مسأله‌ای ارتباطی مستقیم با ساختار شرکت بیمه دارد. در قانون تجارت قالب‌های مجاز برای تشکیل شرکت از هفت نوع تجاوز نکرده و با توجه به مقررات قانون تجارت در خصوص تشکیل شرکت‌ها، ماده ۲ آیین‌نامه شماره ۴۰ شورای عالی بیمه تنها قالب شرکت سهامی عام و شرکت تعاونی سهامی عام را برای تشکیل شرکت‌های بیمه مجاز دانسته است. اما درباره این‌که چرا و به چه دلایلی به این قالب‌ها -خصوصاً شرکت سهامی عام- بسنده شده، توضیحی داده نشده است.

با این حال با توجه به این‌که هر قانون و مقرره دارای سلسله‌ای از مبانی و دلایل در طول مسیر تصویب است، با استناد به ویژگی‌های شرکت سهامی عام و ساختار آن می‌توان به چرایی الزام قانونگذار به تشکیل شرکت بیمه در این قالب‌ها پی برد. ویژگی‌هایی که عموماً نمی‌توان آنها را در سایر قالب‌های مجاز برای تشکیل شرکت یافت. میزان مسئولیت شرکاء در شرکت سهامی عام، نحوه مدیریت و رفتار با سهامداران عمده و جزء، همچنین شیوه تصمیم‌گیری اعضاء در این نوع از قالب شرکتی از جمله ویژگی‌هایی است که قانونگذار را واداشته تا شرکت سهامی عام را برای تشکیل شرکت بیمه انتخاب نماید. به علاوه از موضوعاتی که در تعیین نوع شرکت باید در نظر گرفته

شود، موضوع حفاظت از منافع بیمه‌گذاران است، چنان‌چه در نظام سلامت کشورها برای حفاظت از بیماران سازوکارهایی اجرا می‌گردد تا بیماران و مردم جامعه بتوانند در تعیین سیاست‌ها مشارکت داشته باشند و نظرات آنها در نهایی‌سازی سیاست‌های سلامت مورد استفاده قرار می‌گیرد تا تصمیمات بهتری با مشارکت مردم گرفته شود (مصدق راد و رحیمی تبار، ۱۳۹۸: ۱۴). در نظام بیمه نیز باید سازوکارها، ساختار و نظام نظارتی مخصوصی به‌کار گرفته شود تا بیمه‌گذاران بتوانند در کنار اطمینان خاطر از حفظ حقوق خود، مشارکت فعال در نظام بیمه‌گری داشته باشند. موضوعی که ادبیات داخلی در خصوص آن وجود ندارد و یا اگر وجود دارد تنها به موضوع مدیریت ریسک پرداخته‌اند.^۱ ولی برخی متون خارجی به تأثیر نوع شرکت بر عملکرد و مدیریت آن پرداخته‌اند.^۲ با این وجود اینکه شرکت سهامی عام می‌تواند چنین مسایلی را محقق سازد مورد تأیید نیست و شاید استفاده از قالبی دیگر بتواند راهگشا باشد. بنابراین در ادامه پس از بیان ویژگی‌های خاص شرکت‌های سهامی عام، چالش‌های شرکت‌های مزبور در بازار بیمه بررسی شده و با ارائه دیدی شفاف، قالب مناسب پیشنهاد می‌گردد.

۱. مروری بر پیشینه پژوهش

در رابطه با شرکت‌های بیمه پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته که هر یک صنعت بیمه و شرکت‌های فعال در این حوزه را از جوانب مختلف و زمینه‌های متفاوتی مورد پژوهش قرار داده‌اند. از جمله آسوده (۱۳۶۶) که حسابداری شرکت‌های بیمه را بررسی نموده یا پیرایش و منصوری (۱۳۹۵) که با استفاده از شاخص تصمیم‌گیری چندمعیاره به تعیین عوامل کلیدی در رتبه‌بندی شرکت‌های بیمه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار مطالبی پرداخته‌اند. همین‌طور در خصوص مدیریت سرمایه‌گذاری شرکت‌های بیمه نیز مطالعات متعددی صورت گرفته که از مطرح‌ترین آنها می‌توان به جهان‌خانی (۱۳۷۱) اشاره کرد.

۱. از جمله به عطاطب و نیاکان (۱۳۹۸) می‌توان اشاره کرد.

۲. از جمله به نیسیم (۲۰۱۰) می‌توان اشاره کرد.

در خارج از کشور نیز مطالعات گسترده‌ای درباره ساختار سرمایه شرکت‌های بیمه صورت گرفته است. از جمله نجار و پتروف^۱ (۲۰۱۱) که ساختار سرمایه شرکت‌های بیمه در بحرین را مورد بررسی قرار داده‌اند. میر و اسمیت^۲ (۱۹۸۶) نیز ساختار کنترل و مالکیت شرکت‌های بیمه عمر را مورد بررسی قرار داده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که تغییر ساختار مالکیتی شرکت‌های بیمه زندگی از سهامی به تعاونی به‌طور محسوسی کارایی آنها را بیشتر می‌نماید. با این حال در مورد این که کدام قالب حقوقی می‌تواند برای شرکت‌های بیمه در کشور مناسب باشد و کارایی بیشتری داشته باشد، پژوهشی وجود ندارد. لذا از آنجا که کمتر کسی است که با شرکت‌های بیمه در ارتباط نباشد و از محصولات متنوع آنها استفاده ننماید، قالب شرکت‌های بیمه می‌تواند تأثیر به‌سزایی بر حقوق آنها داشته باشد. به‌نحوی که انتخاب قالب نادرست و نامناسب که چارچوب‌های حاکمیت شرکتی را به‌درستی پیاده نکند، می‌تواند به تضييع حقوق بسیاری از اشخاص حقیقی و حقوقی منجر گردد. بنابراین پرداختن به این موضوع از اهمیت و ضرورت بالایی برخوردار است و تحقیق حاضر در این راستا به‌منصه ظهور رسیده است.

۲. مبانی نظری

۲-۱. ویژگی‌های خاص شرکت‌های سهامی عام

شرکت‌های سهامی عام به‌دلیل بهره‌مندی از برخی از ویژگی‌های خاص که در ادامه بررسی شده‌اند، چارچوب کارآمدتری از سایر انواع شرکت‌ها برای استفاده در بازار بیمه ارائه می‌دهند. اما، با توسعه صنعت بیمه، چالش‌هایی پیش روی این شرکت‌ها قرار گرفته که پس از تحلیل ویژگی‌های مزبور بررسی می‌گردند.

1. Najjar & Petrov
2. Mayers & Smith

a. الف. مزایای شرکای متعدد

شرکت‌های سهامی خاص و شرکت‌های با مسئولیت محدود به علت محدود بودن مسئولیت و کوچکی و ارتباط داخلی شرکا و آزادی عمل در انتخاب شریک، میان فعالان اقتصادی محبوبیت زیادی دارند. در مقابل، شرکت‌های تضامنی و نسبی هیچ محدودیتی در مسئولیت ندارند و شرکت‌های سهامی عام نیز با توجه به الزامی بودن پذیره‌نویسی و درب باز برای ورود و خروج شرکاء، برای فعالیت‌های کوچک مقبولیت چندانی ندارند (طباطبائی، ۱۳۸۷: ۱۶۱). بر این اساس می‌توان اولین دلیل و مبنای قانونگذار برای تعیین قالب سهامی عام جهت تشکیل شرکت بیمه را تشخیص داد و آن این است که قانونگذار، تحول و پیشرفت اقتصادی را مبنای تشکیل شرکت بیمه قرار داده؛ بدین ترتیب که اولاً شرکت بیمه‌ای در قالب سهامی عام نیازمند سرمایه‌ای هنگفت است که تدارک آن از جانب اشخاص محدود، عموماً غیرممکن است. ثانیاً از دیدگاه کلان اقتصادی و همچنین گستره بین‌المللی، شرکت سهامی عام می‌تواند فعالیت‌های موفقیت آمیزتری داشته باشد، چرا که سرمایه اندک و تعداد شرکای محدود و عدم برخورداری از ابزارهای مالی همچون امکان عرضه اوراق مشارکت، مانع از عملکرد مثبت شرکت‌ها خواهد شد.

از سوی دیگر با توجه به این که اشخاص ثالث حساب ویژه‌ای بر سرمایه شرکت بیمه باز می‌کنند و در واقع این سرمایه، وثیقه دین شرکت است به اشخاص ثالث، سرمایه‌ای مهمیتی ویژه‌ای در این شرکت‌ها دارد. به عبارتی، سرمایه در این شرکت‌ها مابه‌ازای مسئولیت محدود سهامداران است. (اسکینی، ۱۳۷۸: ۱۶). طبق مصوبه ۱۳۹۱/۵/۱ هیأت وزیران، برای تشکیل شرکت‌های بیمه، حداقل سرمایه‌ای به میزان هزار میلیارد ریال نیاز است. بنابراین شرکت‌های بیمه باید از ساختاری بهره‌مند باشند که بتوانند سرمایه هنگفتی جمع‌آوری نمایند، به سرمایه‌های خرد و پراکنده موجود در جامعه دسترسی پیدا کرده، آنها را جذب کنند و حجم سرمایه مورد نیاز برای فعالیت‌های بیمه را تأمین نمایند.

۱. البته راجع به شرکت سهامی خاص این امکان در قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت دیده شده است.

عرضه سهام شرکت‌های سهامی عام این امکان را برای آن فراهم می‌نماید. به علاوه، وقفه زمانی قابل ملاحظه‌ای بین دریافت حق بیمه و پرداخت خسارت در صورت وقوع وجود دارد و این قابلیت سرمایه‌گذاری بیشتر و بلندمدت‌تر را ایجاد می‌کند. این میزان سرمایه می‌تواند سرمایه‌گذاری‌های مختلف را به نوعی تضمین نماید، اعتبار در مراودات بین‌المللی را بالا برد، چالش‌های ناشی از عدم شفافیت و عدم تقارن اطلاعاتی میان طرفین را اصلاح نماید و تولید و مبادله را رونق دهد. بنابراین فرصت‌ها و مزیت‌هایی که این ویژگی شرکت‌های سهامی عام ارائه می‌دهد در قالب حقوقی دیگری با این وسعت مشاهده نمی‌گردد. البته سهولت خروج از شرکت برای سهامداران می‌تواند شرکت را با ریسک اعتباری مواجه سازد که در ادامه بیان می‌گردد.

b. مدیریت و نظارت

در شرکت‌های سهامی عام ساختار مدیریت، تکالیف و اختیارات مدیران جهت حصول اهداف اقتصادی شرکت‌های بیمه از انعطاف‌پذیری لازم برخوردار است، چرا که از یک سو، مدیران واجد اختیارات گسترده‌ای برای اداره شرکت بوده و از سوی دیگر برای حفظ حقوق سهامداران و اشخاص ثالث تمهیدات لازم نیز اندیشیده شده است. طبق ماده ۱۰۷ لایحه اصلاح قانون تجارت ۱۳۴۷ اداره شرکت به عهده هیأت مدیره منتخب سهامداران است و همچنین بر اساس ماده ۱۱۸ این قانون، در حدود موضوع شرکت به جز موضوعاتی که به موجب قانون تجارت، اخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص مجمع عمومی است، مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره شرکت می‌باشند. بنابراین اعضای هیأت مدیره در انجام وظایف خود باید موضوع فعالیت شرکت و صلاحیت‌های مجامع عمومی صاحبان سهام را رعایت کنند. با ملاحظه ماده ۱۲۵ این قانون مبنی بر این‌که «مدیرعامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیأت مدیره به او تفویض شده است، نماینده شرکت محسوب شده و از طرف شرکت حق امضاء دارد» به نظر می‌رسد هیأت مدیره فقط حق دارد قراردادهای شرکت را تصویب کند و انعقاد و امضاء آن به عهده مدیرعامل است (اسکینی، ۱۵۲، ۱۳۷۸ و

دمیرچیلی و همکاران، ۱۳۸۰، ۱۳۲). لذا مدیرعامل نماینده شرکت است و از طرف شرکت حق امضاء دارد و رعایت حدود صلاحیت ایشان نیز ضرورت دارد. علاوه بر محدودیت‌هایی که در قوانین وجود دارد، صاحبان سهام نمی‌توانند در فرآیند تدوین اساسنامه و یا ضمن مصوبات مجمع عمومی صاحبان سهام، محدودیت‌های غیرمتعارفی را برای هیأت مدیره و یا مدیرعامل قائل شوند. چنین محدودیت‌هایی مطابق ماده ۱۱۸ در مقابل اشخاص ثالث معتبر نیست.

به‌علاوه در خصوص تکالیف و اختیارات مدیران شرکت‌های سهامی عام نسبت به سایر انواع شرکت‌ها، مقررات از شفافیت و دقت بیشتری برخوردارند؛ ممنوع بودن برخی معاملات برای مدیران شرکت‌های سهامی، تکالیف خاص مدیران در خصوص انتشار آگهی‌های مقرر در قانون از جمله آگهی‌های مربوط به افزایش و کاهش سرمایه و ...، دعوت مجامع، جرم انگاری برخی تخلفات مدیران، مقرر شدن مسؤلیت تضامنی در برخی موارد برای مدیران از جمله مقرراتی هستند که در لایحه اصلاحی قانون تجارت مورد نظر قانونگذار قرار گرفته‌اند. از جمله مسؤلیت‌های جدیدی که اخیراً در حقوق کشورهای غربی نیز مطرح شده، می‌توان به «تکلیف به ارتقای موفقیت شرکت»^۱ اشاره کرد. یکی از وظایفی که قانون شرکت‌های انگلیس مصوب ۲۰۰۶ در ماده ۱۷۲ برای مدیران شرکت پیش‌بینی کرده، وظیفه ارتقای موفقیت شرکت است. به موجب این مقرر، مدیر شرکت باید با حسن نیت به روشی شرکت را اداره کند که ارتقای موفقیت شرکت را در راستای منافع اعضای آن در نظر بگیرد. بنابراین مدیر باید قیود و شرایطی را در نظر بگیرد. چنانچه مدیر این وظیفه را نادیده بگیرد، ممکن است مورد تعقیب و رسیدگی قانونی قرار گرفته و در نهایت به موجب آرای محاکم، مسؤول ورود خسارات به شرکت و اعضای آن شناخته شود (عیسایی تفرشی و همکاران، ۱۳۹۴، ۱۴۶).

رکن مکمل هیأت مدیره در شرکت‌های سهامی که در لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷ به آن اشاره شده است، بازرسان شرکت سهامی عام هستند. به موجب ماده ۱۴۸

۱. Promote the Success of the Company

لایحه قانون مزبور، بازرسان مکلف به بررسی و اظهار نظر درباره صحت و درستی صورت دارایی و صورت حساب دوره عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه‌ای که مدیران برای تسلیم به مجمع عمومی تهیه می‌کنند و همچنین اطلاعاتی که مدیران در اختیار مجمع عمومی گذاشته‌اند، می‌باشند. از دیگر اختیارات و وظایف آنان می‌توان به انجام هرگونه رسیدگی و بازرسی لازم، مطالبه اسناد و مدارک و اطلاعات مربوط به شرکت، استفاده از نظر کارشناسان، اعلام تخلف مدیران یا مدیرعامل به مجمع عمومی و ... اشاره کرد. در صورت تخلف مدیران شرکت، اختیارات لازم را برای حفظ منافع سهامداران شرکت دارند که در مقایسه با سایر شرکت‌های تجاری، این اختیارات مفصل‌تر است.

شرکت‌های تجاری مخلوق اقتصاد جدید هستند و از همان ابتدا که مباحثی درباره مفهوم شرکت مطرح شد، دو نظر در مورد آنها مطرح گردید. یک نظر، شرکت را امتیازی از طرف دولت می‌داند، در حالی که طبق نظر دیگر، شرکت چیزی بیش از یک قرارداد خصوصی نیست (داین^۱، ۲۰۰۷: ۲۷). بنابر نظر اول دولت مسئول نظارت بر عملکرد شرکت‌هاست. اما طبق نظر دوم، دولت هیچ مسئولیت و اقتداری بیش از سایر قراردادهای در خصوص شرکت ندارد (ویتر^۲، ۱۹۹۰: ۱). به موجب ماده ۲ قانون بازار اوراق بهادار به منظور «حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران و با هدف ساماندهی، حفظ و توسعه بازار شفاف، منصفانه و کارای اوراق بهادار» شورای عالی بورس و اوراق بهادار و سازمان بورس و اوراق بهادار وظایفی نظارتی نسبت به شرکت‌های بیمه عهده دارند. در واقع، نظارت صرفاً توسط سهامداران شرکت کارایی مدیریت مدیران را افزایش نخواهد داد و لذا چنانچه در سرتاسر جهان موضوعی متداول است، نهادهای دولتی امر نظارت را برعهده گرفته و برای اعمال هرچه بهتر وظایف به‌وسیله آنها، به نهادهای مزبور اختیارات قانونگذاری و قضائی در کنار وظیفه اداری اعطاء شده است. با این حال، دولتی بودن، کم

۱. Dine
 ۲. Winter

بازده بودن را عموماً به ذهن متبادر می‌سازد. چنین موضوعی می‌تواند معلول دلایل متعددی باشد. به‌عنوان مثال در ایران بیمه مرکزی هم‌زمان علاوه بر این که به‌عنوان یک شرکت بیمه اتکایی فعالیت می‌کند، وظیفه نظارت بر شرکت‌های بیمه را نیز برعهده دارد و در واقع نهادی نظارتی محسوب می‌شود که خود در بازار بیمه به‌عنوان بیمه‌گر اتکایی فعال است. بدین معنا که بیمه مرکزی (به‌عنوان ناظر) رابطه مالی با نظارت شوندگان بازار بیمه دارد که این امر می‌تواند تعارض منافع ایجاد کرده، منجر به اخلال در نحوه نظارت و تزییع حقوق بیمه‌گذاران و بیمه‌شدگان گردد.^۱ بنابراین هرچند نظارت در صنعت بیمه وجود دارد، اما ساختار کلی صنعت بیمه را در کشور با توجه به نحوه این نظارت و فعالیت با عدم کارایی مواجه ساخته است.

C. پ. جایگاه سهامداران در تصمیم‌گیری

یکی از مسائلی که به هنگام ایجاد شرکت، نقطه اصلی توجه شرکاست، نقش آنان در اداره شرکت است. در شرکت‌های سهامی عام رابطه شخص حقوقی با فرد فرد شرکاء و سهامدارانش، مبتنی بر یک رابطه حقوقی دینی است که به موجب آن، رابطه هر شریک و صاحب سهم می‌تواند به نسبت سرمایه خود از سود و منافع به دست آمده منتفع شود و با حضور در مجامع عمومی خود را دخیل در تصمیمات بداند. در این شرکت‌ها سهامداران به نسبت مقدار سهام خود و نیز مدیران توان تصمیم‌گیری در همه امور را دارند و چنین قدرتی سبب حرکت رو به رشد شرکت است. در واقع شرکت توصیف معاملاتی است که در راستای عناصر دخیل یعنی صاحب سرمایه شامل سهامدار، مدیران، کارگران، وام‌دهندگان، طلبکاران و دیگر عوامل روی می‌دهد. بر این مبنا اساسنامه شرکت قراردادی نمونه میان سهامداران با یکدیگر و مدیران محسوب می‌شود. لذا آنان در یک اقتصاد مبتنی بر شرکت که تحت سلطه شرکت‌های بزرگ است، نیازی به قانون شرکت‌ها

۱. البته بیمه‌های اتکایی از ارکان اساسی بازار بیمه هر کشوری محسوب می‌گردند و علاوه بر اینکه ظرفیت پوشش ریسک در بازار بیمه کشور را افزایش می‌دهد برخی منافع اقتصادی نیز به همراه دارد.

ندارند. زیرا، جایگزین‌هایی همچون بازار سهام با نقش کنترلی و نظارت واسطه‌های مالی وجود دارد که هدف‌های قانونی را تأمین می‌کند.

طبیعی است اگر سهامداران شرکت‌های بیمه، اشخاص حقوقی باشند با توجه به این‌که سرمایه بیشتری وارد می‌کنند در تصمیم‌گیری‌های شرکت بیمه نقش بیشتری نیز ایفاء خواهند کرد. به‌همین دلیل ثبات سرمایه‌ای شرکت بیمه نیز می‌تواند بیشتر باشد. شرکایی که ارزش آورده آنان بیش از دیگران است، طبیعتاً خواستار دارا بودن نقش مؤثرتر و غالب در اداره شرکت هستند. متقابلاً شرکایی با آورده اندک علاقه‌مند به قبولاندن این عقیده هستند که همه شرکا باید صرف نظر از ارزش آورده خویش نقش برابری در اداره شرکت داشته باشند. این تمایلات نیز ممکن است مبنای تنوع شرکت‌های تجارتي شود؛ شرکت‌هایی که نقش شرکا در اداره شرکت متناسب با میزان آورده است و شرکت‌هایی که نقش شرکا در اداره آنها صرف نظر از میزان آورده یکسان است (شرکت‌های تعاونی). چون فعالیت اصلی شرکت‌های بیمه‌ای پوشش انواع ریسک‌ها است، شرکاء آن خواستار نقش بیشتر در تصمیم‌گیری‌های شرکت خواهند بود. چرا که سرمایه بیشتری را در معرض ریسک قرار داده‌اند. لذا این‌گونه اشخاص از تشکیل شرکت‌های تعاونی اجتناب می‌کنند.

d. ت. مسئولیت محدود سهامداران

تلقی شرکت سهامی به‌عنوان یک شخص حقوقی مستقل و علی‌حده متضمن تفکیکی روشن بین دارایی متعلق به شرکت و دارایی سهامداران آن می‌باشد. سهامداران مالک سهام‌اند؛ پس از تشکیل شرکت و تا قبل از انحلال و تصفیه آن سهامداران به صرف این که سهام دارند، هیچ‌گونه طلب مستقیم یا حق مالکانه‌ای بر دارایی شرکت ندارند. علی‌الاصول سهامداران صرفاً می‌توانند از طریق سازوکارها و نهادهای پیش‌بینی شده در قانون، به منظور حمایت از منافع خود و نظارت بر مدیران، بر اداره این دارایی تأثیر بگذارند. یکی از مشخصه‌های اصلی این شرکت در تمامی اقتصادهای بازار، مسئولیت محدود سهامداران است. به‌عنوان یک قاعده عمومی، طلبکاران حق طرح هیچ‌گونه

ادعایی (مطالبه) را علیه سهامداران ندارند. در مورد سهامدارانی که در مدیریت یا کنترل شرکت دخالتی ندارند، اصل مسؤلیت محدود باید مطلق و بدون قید باشد. اصل مسؤلیت محدود سهامداران این امکان را برای شرکت فراهم می‌آورد که سرمایه تعداد زیادی از سرمایه‌گذاران را که نه کنترلی بر فعالیت‌های شرکت داشته و نه از فعالیت‌های شرکت اطلاعات تفصیلی دارند، جمع‌آوری نماید.

به سبب داشتن شخصیت حقوقی است که طلبکاران شرکت نسبت به دارایی آن دارای حق تقدم‌اند و دارایی آن در مرحله اول وثیقه طلب آنهاست و سپس نوبت به طلب شخصی شرکا می‌رسد. اثر این تقدم آن است که تمام دارایی‌های شرکت به‌طور خودکار وثیقه دیونش می‌شود و سبب ارتقای اعتبار شرکت برای پذیرفتن تعهدات و انجام فعالیت‌های اقتصادی می‌شود. (ماهوری^۱، ۲۰۰۰: ۸۷۵). بنابراین دارایی شخصی شرکا از آنچه که به شرکت آورده‌اند جدا شده و بدین ترتیب امنیت نسبی برای شرکا به‌وجود می‌آید. مسؤلیت محدود سهامداران شرکت سهامی، یکی از مباحث اساسی و زیر بنایی در نظام حقوق شرکت‌های کشور انگلوساکسون و کشورهای حقوق نوشته است. دکترین مسؤلیت محدود سرمایه‌گذاران شرکت سهامی را در فرضی که مسؤلیت‌های شرکت از میزان دارایی‌اش فزونی می‌یابد محافظت می‌نماید. (کارنی^۲، ۱۹۹۵: ۸۶۰) مطابق این نظریه که پس از نظریه شخصیت حقوقی ارائه گردید (ایوانز و کایوگلی^۳، ۱۹۹۵: ۵۰۲)، سهامداران بیش از آورده خود در قبال تعهدات شرکت مسؤلیت ندارند. شرکا ترجیح می‌دهند پس از تأدیه سهم خود برای تشکیل شرکت، دیگر هیچ مسؤلیتی در برابر مطالبات اشخاص ثالث از شرکت نداشته باشند و طلبکاران در صورت عدم کفایت سرمایه شرکت مجاز به رجوع به شرکا نباشند. در شرکت‌های بیمه نیز به‌دلیل وجود ریسک بروز حوادث غیرقابل پیش‌بینی و توقف از پرداخت خسارات، شرکای آن ترجیح می‌دهند مسؤلیتشان محدود به میزان آورده‌شان به شرکت باشد. بدین ترتیب از یک سو

۱. Mahouy

۲. Carney

۳. Evans & Quigley

سرمایه عظیم شرکت متضمن دیون آن است و از سوی دیگر شرکا مسئولیت نامحدود ندارند و به عبارتی نتیجه برد برد را دربر دارد. اما سهولت خروج از شرکت منجر شده تا این معادله مقداری به هم خورد. هرچند سهولت خروج از شرکت باعث می‌شود که اشخاص، با خیال آسوده‌تری در شرکت‌های بیمه‌ای سرمایه‌گذاری کنند. اما از سوی دیگر منجر به افزایش ریسک اعتباری این شرکت‌ها می‌شود. لذا سهولت خروج از شرکت هم سرمایه بیشتری را جذب می‌کند و هم شرکت را در معرض انحلال قرار می‌دهد که یکی از چالش‌های اصلی شرکت‌های بیمه در قالب شرکت سهامی عام محسوب می‌گردد. البته، مطابق مواد ۱۵۷ تا ۱۹۸ لایحه جدید قانون تجارت، سرمایه شرکت در طول حیات آن، هیچ‌گاه نباید از حداقل مقرر قانونی پایین‌تر بیاید و در صورتی که ظرف یک سال از بروز این اتفاق نسبت به افزایش سرمایه یا تبدیل به نوع دیگری از شرکت‌های تجاری اقدام نکرده ضمانت اجرای انحلال شرکت برای آن تعیین شده است (اسکینی، ۱۳۷۸: ۱۶). با این حال، تبدیل در رابطه با شرکت‌های بیمه منتفی می‌باشد. چرا که قانونگذار تنها قالب مجاز برای شرکت بیمه را شرکت سهامی عام ذکر کرده است، مگر شرکت تعاونی سهامی عام.

شرکت تعاونی سهام عام که به دنبال ایجاد عدالت اقتصادی ایجاد گردید و آیین‌نامه اجرایی نحوه تشکیل و نظارت بر آنها نیز در سال ۱۳۸۸ تصویب شد، اولین بار در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مطرح گردید. این نوع شرکت ماهیتی جدای از سایر شرکت‌های هفت‌گانه مذکور در قانون تجارت داشته که در واقع اصول هر دو شرکت‌های سهامی و تعاونی در آن اجرا می‌گردد. مهم‌ترین تفاوت‌های این نوع شرکت با شرکت تعاونی و سهامی عام عبارت از مبنای رأی‌دهی، افزایش سرمایه، عضویت در اتاق تعاون، نظارت و سهام شرکت است. تفاوت‌های دیگری نیز وجود دارد که هم بر نحوه تشکیل هم بر تمرکز، فعالیت و مدیریت شرکت تأثیر گذاشته^۱ و قانونگذار را مجاب کرده که این نوع شرکت به همراه شرکت سهامی عام تنها قالب‌های حقوقی مجاز

برای توضیحات بیشتر در خصوص ماهیت و ویژگی‌های این شرکت می‌توانید به (پورسعید، ۱۳۹۱) رجوع کنید. ۱

شرکت‌های بیمه باشند. مبنای رأی دهی در این شرکت‌ها سرمایه و درصد آن است و نحوه تصمیم‌گیری در این شرکت‌ها بر اساس سهام است و مطابق رویه تعاونی‌های متعارف نیست که هر عضو یک رأی داشته باشد. سهام جهت کنترل سقف سهامی حتماً باید با نام باشد و نظارت بر این شرکت‌ها مطابق ماده ۱۲ قانون اصل ۴۴ قانون اساسی بر عهده وزارت تعاون است. بنابراین مشکلات شرکت‌های تعاونی شامل سرمایه کم، حق رأی برابر و مدیریت ضعیف را برطرف ساخته است. اما هنوز هم برخی چالش‌ها برای استفاده از این نوع شرکت برای بنگاه‌های بیمه وجود دارد، از جمله این که سرمایه این شرکت‌ها که با شرکت‌های سهامی عام قابل مقایسه نمی‌باشد.

به هر حال از دیگر تمهیداتی که برای دوام و بقای سرمایه سهام‌داران در شرکت‌های سهامی عام اندیشیده شده، محدودیت خروج سرمایه به شیوه‌ای غیر از انتقال و فروش سهام است. هیچ‌یک از سهام‌داران نمی‌تواند آزادانه آورده خود را مسترد دارد، مگر از طریق فروش سهام خود که وسیله اصلی خروج از شرکت است. این دوام و بقای سرمایه شرکت یکی از تفاوت‌های بنیادین بین قالب شرکت سهامی و سایر اشکال شرکت‌های تجاری است که در آنها شرکا حقوق بسیار گسترده‌تری برای استرداد آورده‌شان دارند (اولیو و همکاران^۱، ۱۹۹۹: ۹-۸). اگرچه عقد بیمه، عقدی احتمالی بوده و پرداخت خسارت در آینده صورت می‌گیرد. اما همواره ریسک‌های موجود در احتمالی بودن پرداخت خسارت نیازمند به‌کارگیری ابزارهای لازم برای پیش‌بینی و کنترل این ریسک‌هاست. ویژگی‌های شرکت سهامی عام که با استفاده از آنها می‌توان سرمایه شرکت را در حد تعادل نگه داشت و از کاهش یا از بین رفتن آن جلوگیری کرد، به خوبی امکان کنترل ریسک موجود در صنعت بیمه را فراهم می‌نماید.

۲-۲. چالش‌های تشکیل شرکت بیمه در قالب شرکت سهامی عام

معمولاً در تمام کشورها بیمه‌گران باید واجد شخصیت حقوقی بوده و قالب حقوقی مشخصی داشته باشند. به عنوان مثال؛ تمام کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، کشورهای آسیایی و اقتصادهای در حال گذار، شرکت‌های بیمه را در قالب شرکت‌هایی تجویز می‌کنند که در آن مسؤولیت شرکاء به اندازه سهم آنها محدود شده است.^۱ همین‌طور در اکثر قریب به اتفاق کشورهای عضو سازمان مزبور شرکت‌های بیمه می‌توانند قالب تعاونی نیز داشته باشند. برخی مواقع نیز سهامداران سرمایه و اندوخته اولیه شرکت را تأمین می‌نمایند و با جذب مشتری و بیمه‌گذار اقدام به جمع‌آوری وجوه نموده و فعالیت می‌نمایند که در این صورت مدیران از سوی سهامداران تعیین شده و پاسخگوی سهامداران خواهند بود و منافع سهامداران شرکت در اولویت امر قرار می‌گیرد. اما در این حالت، به شکلی مناسبی پاسخگوی بیمه‌گذاران و مشتریان نخواهند بود. همچنین، در این نوع شرکت‌ها چون سیاست‌گذاری از بالا به پایین صورت می‌گیرد، تعداد معدودی در تصمیم‌گیری‌ها دخیل هستند و چون مشتریان نمی‌توانند مشارکت داشته باشند، منافع آنها کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

در کشور ما چنانچه بیان شد مطابق مقررات مختلف تشکیل شرکت‌های بیمه صرفاً در قالب شرکت سهامی عام یا شرکت تعاونی سهامی عام ممکن است.^۲ شرکت^۳ طبق مقررات قانون مدنی عبارت است از «اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیء واحد به نحو اشاعه». اما چنین تعریفی مانع نمی‌باشد و مشاعات را نیز دربر می‌گیرد. بنابراین مفهومی که از قانون تجارت برداشت می‌شود بهتر می‌تواند معنای شرکت را تبیین کند. قانون تجارت برای هر یک از انواع شرکت‌ها مقررات مخصوصی پیش‌بینی کرده که از مجموع آنها می‌توان قواعد و مقررات مربوط به شرکت‌های تجاری را استخراج نمود که با در نظر گرفتن اصول و مقررات مزبور، شرکت تجاری را می‌توان چنین تعریف کرد: «نهادی که

1. Company Limited With Shares

۲. همچون ماده ۲ آئین‌نامه شماره ۴۰ با عنوان «ضوابط تأسیس مؤسسات بیمه غیردولتی» و ماده ۲ «مقررات تأسیس و فعالیت مؤسسات بیمه در مناطق آزاد تجاری-صنعتی» ۱۳۷۹

3. Company or Corporation

بین دو یا چند نفر تشکیل می‌شود که در آن هر یک سهمی به صورت نقد یا غیرنقد در میان می‌گذارند تا مبادرت به عملیات تجارتي نموده و منافع و زیان‌های حاصله را بین خود تقسیم نمایند» (خستویی، ۱۳۶۶: ۱۱). بر اساس تعریف فوق شاخصه‌های شرکت تجارتي عبارت از تشکیل نهاد مستقل، همکاری بین دو نفر و بیشتر، آوردن حصه (نقد یا غیر نقد)، مبادرت نمودن به عملیات تجارتي، تسهیم سود و زیان است. بنابراین از جمله مهم‌ترین ویژگی شرکت‌ها انتفاعی بودن و جنبه تأمین منفعت آنهاست و لذا در تعریف شرکت بیان شده که دو یا چند نفر به منظور کسب سود با هم توافق کنند (غمامی و همکاران، ۱۳۹۶: ۷) که این امر می‌تواند در بحث ما بسته به نوع شرکت، محل حقوق بیمه‌گذاران و بیمه‌شدگان باشد.

شرکت‌های تجارتي به سه دسته تقسیم می‌شوند که نوع اول مانند شرکت‌های تضامنی و نسبی عبارت از شرکت‌های اشخاص هستند که در آنها شخصیت شرکاء در شرکت اهمیت بسیار داشته و اعتبار شرکت وابسته به اعتبار شرکاء است. نوع دوم شرکت‌های سرمایه هستند که در این شرکت‌ها، مانند شرکت‌های سهامی و شرکت‌های با مسؤولیت محدود، شخصیت شرکاء اهمیت زیادی ندارد و صرفاً تا میزان سرمایه‌ای که وارد کرده‌اند مسؤول تعهدات شرکت می‌باشند و مهم‌تر آن‌که شرکاء حق دارند سهم‌الشرکه خود را به دیگران واگذار نمایند. نوع سوم شرکت‌های مختلط هستند که عبارت از شرکت‌هایی هستند که از دو دسته شرکای با مسؤولیت محدود و با مسؤولیت غیرمحدود تشکیل می‌شوند. برای مدت‌ها قالب حقوقی متداول برای شرکت‌های بیمه شرکت‌های سرمایه به‌خصوص سهامی بوده‌اند. مهم‌ترین خصوصیت این شرکت‌ها تجمیع سرمایه کلان و امکان انجام پروژه‌های هزینه‌بر است. سرمایه عظیم این شرکت‌ها امکان برنامه‌ریزی و انجام پروژه‌های تحقیقاتی برای بهبود فرایند عملکرد شرکت و ابداع روش‌ها و تولیدات جدید را نیز ایجاد می‌کند. با این حال شرکت‌های سهامی عام، فقط بخش کوچکی از جمعیت شرکت‌های مختلف و متنوع موجود را تشکیل می‌دهند. ولی همین بخش کوچک بر اقتصاد بیشتر کشورها چیره شده‌اند. به طوری که بخش بزرگی از فعالیت

اقتصادی در جوامع سرمایه‌داری نزد شرکت‌های سهامی عام متمرکز شده است (پارکینسون، ۱۹۹۶: ۴).

شرکت‌های سهامی اما با توجه به این‌که به دنبال سود بیشتر هستند احتمال افزون‌تری دارد که تغییرات متعددی با توجه به ویژگی‌های بازار در شرکت ایجاد نمایند. همین‌طور با توجه به این‌که شرکت‌های سهامی فرصت‌طلب‌تر هستند، نسبت به بیمه‌گذار تعهد کمتری متقبل می‌شوند و به تغییرات مقرراتی و قانونی سریع‌تر می‌توانند عکس‌العمل نشان دهند. این نوع شرکت‌های بیمه به مشتریان بیمه‌نامه‌های استاندارد و متحدالشکل بدون قابلیت چانه‌زنی و مذاکره ارائه می‌نمودند. به‌علاوه، شرکت‌های سهامی هرچند دسترسی راحتی به سرمایه‌های بزرگ دارند، اما چنان‌چه بیان شد مشکل تعارض منافع میان سهامداران و مدیران دارند، مدیرانی که در جهت منافع سهامداران اقدام می‌کنند و بعضاً منافع بیمه‌شدگان یا بیمه‌گذاران را نادیده می‌گیرند. به‌عنوان مثال اگر یک شرکت بیمه در خطر ورشکستگی باشد و شرکت تصمیم به سرمایه‌گذاری در زمینه‌ای بگیرد که هرچند بازگشت سرمایه بسیار خوبی دارد، اما با ریسک بسیار بالایی نیز همراه است، در چنین حالتی اگر شرکت از سرمایه‌گذاری مزبور سود کند، مدیران و سهامداران هستند که سود می‌کنند. اما اگر زیان ببینند، بیمه‌گذاران از ورشکستگی شرکت بیشتر متضرر می‌گردند. بنابراین، فرصت‌طلبی شرکت به ضرر بیمه‌گذاران بوده و البته در قالبی همچون تعاونی بنابر دلایلی که در ادامه عنوان می‌گردد، چنین فرصت‌طلبی جایی نخواهد داشت و در واقع مدیران شرکت چنین دیدگاهی ندارند که به مالکان و مشتریان خدمت می‌کنند، چرا که مشتریان همان مالکان هستند.

۳. قالب مناسب برای تشکیل شرکت بیمه

همیشه اعتقاد بر این بوده که آن قالب حقوقی می‌تواند بر بازار تسلط پیدا کند که مشکل نمایندگی را به کاراترین شکل حل نماید. نظریه نمایندگی بیان می‌کند که مدیران به دنبال

عایدی متفرقه هستند و دلیل آن جدایی مدیریت از مالکیت (کنترل) است. در چنین حالتی کارگزار و کارگمار تضاد منافع دارند که حاکمیت شرکتی با ایجاد چارچوبی کارا باید این مشکل را حل نماید (پاک‌مرام و لطفی، ۱۳۹۵: ۵). لذا پس از شرکت‌های سهامی، شرکت‌های تعاونی با ارائه انعطاف و قابلیت مذاکره پیرامون بیمه‌نامه و شرایط بیمه و نیز با حق بیمه پایین‌تر وارد بازار گردیدند و با توجه به این‌که شرکا همان مشتریان شرکت بودند خطر اخلاقی کمتری نیز در این شرکت‌ها مشاهده می‌شود.^۱ با توجه به این‌که مشتریان شرکت‌های تعاونی مالکین آن و البته سیاست‌گذاران شرکت محسوب می‌گردند، در خصوص قابلیت دسترسی و تأمین بیمه حساسیت بیشتری نشان می‌دهند. در این راستا انگیزه بیشتری برای ارائه خدمات بیمه با قیمت مناسب‌تر به مشتری دارند. در واقع شرکت‌های تعاونی بیشتر از این‌که به سود شرکت توجه داشته باشند به منافع مشتریان توجه دارند و کمتر به دنبال تغییرات متعددی هستند که حقوق مشتریان را متزلزل می‌سازد. همین‌طور برخی محققین اعتقاد دارند که شرکت‌های تعاونی در زمینه تقسیم ریسک به شکل بهتری نسبت به سایر قالب‌های حقوقی عمل می‌کنند. چرا که مطالبات مربوط به بیمه‌نامه و سرمایه شرکت را با یکدیگر ترکیب می‌کنند که ترتیبات کاراتر و مؤثرتری برای ریسک‌هایی محسوب می‌گردد که به سادگی قابل تقسیم نیستند. بنابراین شرکت‌های تعاونی بدین ترتیب مشکل نمایندگی را تا حدی حل می‌کنند.

با این حال این نوع شرکت چالش‌های مختص خود را نیز دارد. از جمله شرکت تعاونی قابلیت تأمین و افزایش سرمایه از بازار سرمایه را ندارد و با توجه به این‌که سرمایه مهم ترین رکن شرکت بیمه است، چالش مهمی محسوب می‌گردد. همین‌طور مدیران این شرکت تحت نظارت مقررات بازار سرمایه نیستند و کنترل هزینه‌ها و شرکت به شکلی صورت می‌گیرد که نظارت بر مدیریت و عملکرد مدیریتی شرکت را دشوار می‌سازد. در

۱. چرا که بیمه‌گذاران خود عضو شرکت بوده و با توجه به این‌که ارائه درخواست‌های بی پایه و جزئی برای استفاده از پوشش‌های بیمه‌ای با این احتمال همراه است که حق بیمه افزایش پیدا نموده و در نهایت به ضرر خود بیمه‌گذار تمام شود، از ارائه درخواست‌های نادرست پرهیز خواهند کرد.

واقع در صورتی که بیمه‌گذاران هر یک کنترل ناچیزی بر فعالیت مدیران داشته باشند این احتمال را تقویت می‌کند که مدیران مزبور به جای منافع اعضا، منافع خود را مقدم شمرند. از سوی دیگر، شرکت‌های سهامی محدوده فعالیت وسیع‌تری از لحاظ جغرافیایی دارند که فرض این‌که شرکت‌های تجاری بهتر می‌توانند مشکل نمایندگی را (به‌ویژه زمانی که از راه دور فعالیت می‌کنند) حل کنند تقویت می‌نماید. همین‌طور شرکت‌های سهامی قابلیت ریسک‌پذیری بیشتری دارند. به عبارتی، هدف اصلی شرکت‌های تعاونی عبارت از تأمین سرمایه کافی برای رفع نیازهای بیمه‌گذاران است. اما شرکت‌های سهامی حداکثرسازی سود سهامداران را هدف اصلی خود قرار داده‌اند. همین امر باعث می‌گردد که راهبردهای سرمایه‌گذاری شرکت‌های فوق متفاوت گردد و در زمینه‌هایی سرمایه‌گذاری می‌نمایند که ریسک بیشتری دارند. این امر البته باید با رعایت حقوق بیمه‌گذاران بیمه‌شدگان باشد، چنان‌چه در این خصوص مقرراتی نیز وضع گردیده است، از جمله آئین‌نامه شماره ۷۱ حمایت از حقوق بیمه‌گذاران، بیمه‌شدگان و صاحبان حقوق آنها که در آن الزام ارائه اطلاعات و مشخصات مربوط به بیمه‌گر بر دوش بیمه‌گذار قرار گرفته و برخی مقررات راجع به جبران خسارت و شکایت نیز در این آئین‌نامه تعیین شده است.

از سوی دیگر حاکمیت شرکتی به معنای نظامی از مقررات‌گذاری و نظارت بر عملیات شرکت به منظور تعادل بخشی به منافع ذینفعان و حصول اطمینان از رفتار مسؤولانه شرکت و دستیابی به حداکثر کارایی و سودآوری، ایجاب می‌نماید تا از تغییرات گسترده در زمینه‌های مختلف از جمله سرمایه‌گذاران و سهامداران شرکت جلوگیری به عمل آید. چرا که این تغییرات انسجام شرکت را دستخوش تزلزل قرار داده و چنان‌چه در ماه‌های گذشته در بازار سرمایه شاهد بوده‌ایم شرکت را در معرض انحلال و ورشکستگی قرار می‌دهد. با توجه به این‌که در شرکت‌های سهامی خاص، برخی محدودیت‌ها در انتقال سهام وجود دارد، می‌تواند گزینه بهتری نسبت به شرکت‌های سهامی عام باشد و از این

موضوع جلوگیری کند. این محدودیت‌ها از تغییرات حساب نشده جلوگیری کرده و ثبات بیشتری به فعالیت و راهبردهای سیاستی شرکت می‌دهد.

۳. جمع‌بندی و پیشنهادها

از جمله موضوعاتی که در تنظیم سیاست‌های شرکت‌های بیمه و نیز وضع مقررات بیمه‌ای در نظر گرفته می‌شود، اثرات عدم رعایت الزامات قانونی است که به سیاست‌گذاری شرکت‌های بیمه و نیز به تنظیم مقررات بیمه‌ای همچون مقررات مرتبط با حمایت بیمه‌گذار و بیمه شده کمک شایانی می‌نماید. به‌عنوان مثال مطابق آئین‌نامه شماره ۷۱ با عنوان «حمایت از حقوق بیمه‌گذاران، بیمه‌شدگان و صاحبان حقوق آنها» که با هدف «تقویت اعتماد عمومی به صنعت بیمه و افزایش آگاهی عمومی از خدمات بیمه‌ای و شیوه عرضه آن، همین‌طور الزام بیمه‌گران به ارائه اطلاعات کامل، درست و به‌موقع قبل و بعد از صدور بیمه‌نامه به بیمه‌گذاران، و نیز الزام بیمه‌گران به تسهیل فرایند بررسی و پرداخت خسارت و رسیدگی به شکایات بیمه‌ای» توسط شورای عالی بیمه وضع گردید، مقرراتی ارائه شد که عدم رعایت آنها ضمانت‌اجراهای بعضاً سنگینی از جمله لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه برای تمام رشته‌ها یا رشته‌های معین برای شرکت‌های بیمه را در پی خواهد داشت. علاوه بر این، در دسترس بودن بیمه و قابل تأمین بودن آن از نظر هزینه‌ای برای مشتری از جمله موضوعات مهمی است که تعیین‌کننده سیاست‌های شرکت‌های بیمه است. بنابراین، قالبی باید برگزیده شود که به بهترین شکل پاسخگوی چنین نیازی باشد. به‌علاوه با توجه به این‌که انجام فعالیت‌های بیمه‌ای نیاز به منابع مالی وسیع و کارکنان متخصص دارد، مدیریت دقیق و کارآمد بر آنها از عهده یک شخص حقیقی خارج بوده و نیاز به مشارکت چندین نفر دارد که باید در قالب شرکت مدنی یا شرکت تجاری انجام شود. همان‌طور که در متن توضیح داده شد، شرکت مدنی برای این فعالیت ناکارآمد است و از میان شرکت‌های تجاری، شرکت‌های شخصی برای این فعالیت با چالش‌های جدی روبرو بودند. به‌علاوه سهولت خروج سرمایه از شرکت سهامی عام، علی‌رغم این‌که تنها شرکت‌های تجاری مجاز برای فعالیت بیمه‌ای هستند، شرکت را در

معرض تغییر زیاد سرمایه‌گذاران و کاهش انسجام در تصمیمات مدیریتی و در نتیجه در معرض انحلال یا ورشکستگی قرار می‌دهد. لذا با توجه به این‌که از زاویه حاکمیت شرکتی، بین اندازه هیأت مدیره و نرخ بازده دارایی‌ها ارتباط منفی و معنی‌داری وجود دارد، بدین معنی که هیأت مدیره بزرگ‌تر نمی‌تواند وظایف خود را با همان اثربخشی هیأت مدیره کوچک‌تر انجام دهد. شرکت‌هایی که هیأت مدیره کوچک‌تر دارند توسط بازار به میزان بالاتری ارزش‌گذاری می‌شوند. بنابراین بهترین نوع شرکت، شرکت سهامی خاصی است که شرکای آن شرکت‌های سهامی عام هستند که این قبیل شرکت‌ها به‌عنوان شریک شرکت بیمه خوب هستند نه خود شرکت بیمه. لذا با توجه به شاخصه‌های شرکت سهامی عام، به‌نظر می‌رسد بهترین قالب برای تشکیل شرکت بیمه بدین صورت باشد که شرکت بیمه به صورت شرکت سهامی خاص تشکیل شود که سهامداران آن شرکت‌های بزرگ و نوعاً شرکت‌های مادر تخصصی سرمایه‌گذاری باشند. بدین ترتیب می‌توان از ریسک اعتباری جلوگیری نمود و با توجه به این‌که تعدد شرکای جزء سبب تشتت آراء سهامداران نمی‌شود، انتظار مدیریت کارآمدتری می‌توان داشت. همین‌طور همزمان با برخورداری از مزایای شرکت‌های سهامی در بحث نظارت، مدیریت، تصمیم‌گیری بر اساس اصول حاکمیت شرکتی و مسئولیت محدود سهامداران، چالش‌های شرکت‌های سهامی عام را می‌توان برطرف نمود و با بهبود عملکرد مالی، ریسک مالی را کاهش داد و منافع سهامداران و نیز بیمه‌گذاران را به شیوه کارآمدتری تأمین نمود.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان

تمام نویسندگان در آماده سازی این مقاله مشارکت کرده‌اند.

تعارض منافع

بنا به اظهار نویسندگان، در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت

طبق تعهد نویسندگان، حق کپی‌رایت (CC) رعایت شده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- آستین، عبدالله. (۱۳۸۱). ضرورت اصلاح ساختار سازمانی در شرکت‌های بیمه. پژوهشنامه بیمه، ۶۷(۳): ۲۸-۵.
- آسوده، سید محمد. (۱۳۶۶). حسابداری شرکت‌های بیمه. پژوهشنامه بیمه، ۲(۲): ۲۲-۱۴.
- اسکینی، ربیعا. (۱۳۷۸). حقوق تجارت (شرکت‌های تجاری). تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم، جلد دوم.
- اسکینی، ربیعا. (۱۳۷۹). حقوق تجارت (شرکت‌های تجاری). تهران، انتشارات سمت، چاپ چهارم، جلد اول.
- پاک مرام، عسگر و لطفی، بهرام. (۱۳۹۵). ارتباط حاکمیت شرکتی با عملکرد مالی و ریسک شرکت‌های بیمه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهشنامه بیمه، ۳۱(۴): ۴۸-۲۵.
- پورسعید، سید بهزاد و مطهرپور، محمود. (۱۳۹۱). ماهیت حقوقی شرکت‌های تعاونی سهامی عام. مجلس و راهبرد، ۱۷(۱۹): ۲۰۰-۱۶۳.
- پیرایش، رضا و منصوری، مرتضی. (۱۳۹۵). تبیین عوامل کلیدی در رتبه‌بندی شرکت‌های بیمه‌ای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ایران با استفاده از شاخص تصمیم‌گیری چندمعیاره. پژوهشنامه بیمه، ۳۱(۱): ۶۰-۴۷.
- جهانی، علی. (۱۳۸۹). مدیریت سرمایه‌گذاری در شرکت‌های بیمه. حسابدار، ۹۱: ۳۷-۳۴.
- حسن‌زاده، علی، عسگری، محمد مهدی و کاظم نژاد، مهدی. (۱۳۸۹). بررسی جایگاه صنعت بیمه در اقتصاد و بازار سرمایه ایران. پژوهشنامه بیمه، ۲(۲): ۱۹۹-۱۶۵.
- خستویی، هوشنگ. (۱۳۶۶). مروری بر تاریخچه قانون تجارت و شرکت‌های سهامی عام و خاص. مجله حسابدار، ۳۹: ۲۴-۴.

خيفر، حسين، حسن‌زاده، حميدرضا و كولیوند، حسن. (۱۳۸۸). الزامات محیطی ساختار سازمانی بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران. *تازه‌های جهان بیمه*، ۱۳۰(۱): ۶۴-۴۹.

دمرچیلی، محمد، حاتمی، علی و قرائی، محسن. (۱۳۸۰). قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی. تهران، انتشارات خلیج فارس، چاپ اول.

ذاکری، امیر، افرازه، عباس و نورعلیزاده، حمیدرضا. (۱۳۹۴). کارایی شرکت‌های بیمه در ایران با استفاده از شاخص‌های سرمایه فکری. *پژوهشنامه بیمه*، ۳۰(۱): ۳۱-۱.

شیرانی، علیرضا و صحت، سعید. (۱۳۹۲). اثر مقررات‌زدایی صنعت بیمه بر ساختار سازمانی شرکت‌های بیمه از دیدگاه مدیران و معاونان. *پژوهشنامه بیمه*، ۲۸(۴): ۱۲۶-۱۰۵.

طباطبائی‌نژاد، محمد. (۱۳۸۷). لزوم تبیین حقوق شرکت‌ها در چارچوب سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی. *مجلس و راهبرد*، ۶۰(۱): ۱۵۷-۱۸۸.

عباسلو، بختیار. (۱۳۷۴). ماهیت حقوقی رابطه شرکت سهامی با شرکت و اشخاص دیگر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

عطاطلب، فاطمه و نیاکان، لیلی. (۱۳۹۸). ارزیابی و نظارت ریسک‌محور بر شرکت‌های بیمه. *پژوهشنامه بیمه*، ۳۴(۴): ۲۶۴-۲۳۵.

عیسایی تفرشی، محمد، رمضانی آکردی، حبیب و عباسی منش، حمیدرضا. (۱۳۹۴). ارتقای موفقیت شرکت؛ وظیفه‌ای برای مدیران (مطالعه در حقوق انگلیس و ایران). *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ۱۹(۴): ۱۴۸-۱۲۳.

غمامی، سید محمد مهدی، کدخدامرادی، کمال و مهدی فلاحیان. (۱۳۹۶). ماهیت حقوقی شرکت‌های وابسته به مؤسسات عمومی غیردولتی. *پژوهشنامه حقوق اسلامی*، ۱۸(۴۶): ۹۶-۷۳.

فاضل یزدی، علی و معین‌الدین، محمود. (۱۳۹۴). ارزیابی کارایی و رتبه‌بندی صنعت بیمه ایران با استفاده از رویکرد پویای تحلیل پنجره‌ای داده‌ها. *مدیریت بهره‌وری*، ۹(۳۵): ۱۴۹-۱۳۱.

- کاویانی، کوروش. (۱۳۸۶). حقوق شرکت‌های تجاری. تهران، نشر میزان، چاپ اول.
- مصدق راد، علی محمد و رحیمی تبار، پریسا. (۱۳۹۸). الگوی حاکمیت نظام سلامت ایران: یک مطالعه تطبیقی. *مجله علوم پزشکی رازی*، ۲۶(۹): ۲۸-۱۰.
- Atatalab, F. & Niakan, L. (2020). An evaluation and risk based supervision of insurance companies. *Iranian Journal of Insurance Research*, 34(4): 235-264. (In Persian)
- Avilov, G., Black, B. S., Carreau, D., Kozyr, O., Nestor, S. & Reynolds, S. (1999). General principles of company law for transition economies (English Version). *Stanford Law School, Olin Law and Economics Working Paper No. 165; and Columbia Law School, Law and Economic Studies Working Paper No. 138*.
- Barros, C. P., Nektarios, M. & Assaf, A. (2010). Efficiency in the Greek insurance industry. *European Journal of Operational Research*. 205(2): 431-436.
- Carney, W. J. (1995). Limited liability companies: Origins and antecedents. *Colorado Law Review*, 66(1): 855-886.
- Cheffins, B. R. (2002). Corporate law ownership structure. Stoughtan Publishing, London.
- Clift, B., Gamble, A. & Michaler, H. (2000). The political economy of the company. Hart Publishing, Oxford.
- Cummins, J. D. & Zi, H. (1998). Comparison of frontier efficiency methods: An application to the US life insurance industry. *Journal of productivity analysis*, 10(2): 131-152.
- Dine, J. (2007). Company law. Sweet and Maxwell Press, Edinburgh.
- Evans, L. & Quigley, N. C. (1995). Sharholder liability regimes, principal-agent relationships, and banking industry performance. *Journal of Law and Economics*, 38(2): 497-520.
- Fazel Yazdi, A. & MoeinAddin, M. (2016). Ranking and assessing the efficacy of insurance in iran using Dynamic Approach of Data Window Analysis. *The Journal of Productivity Management*, 9(35): 131-150. (In Persian)
- Gardner, L. A. & Grace, M. F. (1993). X-efficiency in the US life insurance industry. *Journal of Banking & Finance*, 17(2-3): 497-510.
- Lamm-Tennant, J. & Starks, L. T. (1993). Stock versus mutual ownership structures: The risk implications. *The Journal of Business*, 66(1): 29-46.

- Mahouy, P. G. (2000). Contract or concession, an essay on the history of corporate law. *Georgia Law Review*, 34(1): 873-914.
- Mayers, D. & Smith, C. W. (1988). Ownership structure across lines of property-casualty insurance. *Journal of Law and Economics*, 31(3): 351-78.
- Mayers, D. & Smith, C. W. (1986). Ownership structure and control: The mutualization of stock life insurance companies. *Journal of Financial Economics*, 16(1): 73-98.
- Mosadeghrad, A. M. & Rahimi-Tabar, P. (2019). Health system governance in Iran: A comparative study. *Journal of Management and Development Process*, 26(9): 10-28. (In Persian)
- Najjar, N. & Petrov, K. (2011). Capital structure of insurance companies in Bahrain. *International Journal of Business and Management*, 6(11): 138-145.
- Nissim, D. (2010). Analysis and valuation of insurance companies. CE|ASA (Center for Excellence in Accounting and Security Analysis) Industry Study No. 2, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1739204>.
- Parkinson, J. E. (1996). Corporate power and responsibility: Issues in theory of company law. Published to Oxford Scholarship Online: March 2012.
- Pirayesh, R. & Mansouri, M. (). Explaining the key factors in the ranking of insurance companies listed on the Iran stock exchange using Multi Criteria Decision Making. *Iranian Journal of Insurance Research*, 31(1): 47-60. (In Persian)
- Winter, J. (1990). Corporate law and economic analyses. Cambridge.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی